

بوم خبر

در خشخس عکاسان ایرانی در جشنواره‌های بین‌المللی بابل



عکاسان ایرانی در مجموعه جشنواره‌های عکس بابل که در قالب چهار جشنواره در چهار کشور اسپانیا، فرانسه، بلژیک و لوگزامبورگ برگزار می‌شود، جوایزی را کسب کردند. در این مجموعه جشنواره عکاسان عضو کلوپ عکس فوکوس (نمایندگی فیاپ در ایران) جوایزی را به شرح زیر کسب کردند. در جشنواره Le Catalan فرانسه، عکس «به سوی بی نهایت» از عرفان ربیعی دست‌چرندی مدال طلای GPU، عکس «کوره» از بهنام نصری مدال برنز CEF و عکس «شادی کود کانه» از علی سامعی و دیپلم افتخار ISF را کسب کردند. در جشنواره Ripollet اسپانیا، عکس «نگاه» از حمید رضا هلالی مدال طلای فیاپ و عکس «تنها» از وی دیپلم افتخار Afocer، عکس «هر دم و گل‌ها» از سید احسان مر تقصوی روبان فیاپ و عکس «شکوه بیابان» از یلیک مهرافشار دیپلم افتخار CEF را کسب کردند. در جشنواره لوگزامبورگ نیز عکس «هر دم و گل‌ها» از سید احسان مرتضوی دیپلم افتخار ISF را کسب کرد. در این جشنواره آثاری از عکاسان ایرانی شامل بهنام نصری، امین دهقان، بابک مهرافشار، امیرضا پورینی، امیر علی نژاده شهلا، سید احسان مرتضوی، سید رضا جوادی، ابراهیم بهرامی، احسان جزینی، حمید رضا هلالی، عرفان ربیعی دست‌چرندی، فرزین ناظم‌زاده، مسعود مطلبی، وحید شریفیان، امیر حسین هنرور، رضا بردار، ان اصفهانی، رضا عاملی پور، علی سامعی، محمد علی شمس الدین، هوتن باباپور، ریحانه شاداب جویشتی، عرفان آقابابائی و محمد علی شمس الدین در بخش‌های مختلف پذیرفته شدند. فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) که به عنوان تنها مؤسسه بین‌المللی در زمینه عکاسی از طرف یونسکو به رسمیت شناخته شده است، در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شد و از آن سال تاکنون واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین مؤسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است. این فدراسیون به عنوان عضو اجرایی با مؤسسات ملی عکاسی در سراسر جهان همکاری نزدیک دارد که تعداد آنها به بیش از ۹۰ مؤسسه ملی در ۵۰ قاره می‌رسد. فیاپ در هر کشور تنها یک دفتر دارد که در حال حاضر نماینده رسمی فیاپ در ایران «کلوپ عکس فوکوس» است.

۹۰ سال زندگی استاد پیشکسوت در نمایشگاه «روز کار محبوب»



دومین نمایشگاه نگارخانه مهرسان با عنوان «روزگار محبوب» به ۹۰ سال زندگی استاد پیشکسوت و صاحب‌نام هنر معاصر حسین محجوبی می‌پردازد. این نمایشگاه مروری بر آثار و نکوداشت استاد حسین محجوبی نقاش، معمار، طراح و سازنده پارک‌های مطرح ایران و از چهره‌های بین‌المللی هنر نقاشی است و مجموعه‌ای از آثار قدیم و جدید استاد که اخیراً نشان عالی «هنر برای صلح» را از آن خود کرده در بر می‌گیرد. جشن امضای کتاب و برگزاری کارگاه عملی از بخش‌های این رویداد ارزشمند هنری است که از آخرین جمعه آذرماه در نگارخانه مهرسان آغاز می‌شود. حسین محجوبی متولد ۱۳۰۹ هجری شمسی در لاهیجان است. از نوجوانی به نقاشی روی آورد. در دانشکده هنرهای زیبای نقاشی خواند. سال ۱۳۳۸ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شد. محجوبی و آثار نقاشی او در ایران و جهان شناخته شده هستند. علاقه‌مندان برای شرکت در این افتتاح‌این رویداد می‌توانند ساعت ۱۶ روز جمعه ۲۹ آذرماه ۱۳۹۸، مهمان نگارخانه مهرسان واقع در پردیس فرهنگی هنری مهرسان شوند. تا در آستانه ۹۰ سالگی استاد حسین محجوبی و همراه بهرامی‌بانی همیشگی او، آثار ماندگارش را به‌نظاره بنشینند.

در فعالیت هنری سوژه‌های ایرانی برایم اولویت داشته‌اند. آنچه در ایران دیده‌ام همواره بهانه و دستمایه‌های جدید برای خلق اثر هنری‌ام بوده است. اما مثل همیشه از نگاه و در پیچه جهان بینی خودم به این موضوعات پرداخته‌ام و حرف خودم را در این قالب بیان کرده‌ام

گاهی به این شکل بوده که عناصری مثل کلاغ را جایگزین آن کرده‌ام که برداشتی تازه از مینیاتورها است. کنتراست کلاغ و فضای بهشتی گل و مرغ برایم جالب توجه بود. همچنین عناصر دیگری را هم به این تجربه‌ها وارد کرده‌ام که در کنار نقاشی‌هایم به فضای هنر مفهومی نزدیک شده است. در گذشته چاقوها و دشنه‌هایی را می‌دیدم که روی دسته آن‌ها گل و مرغ نقاشی شده بود. در حالی که با همین اسلحه‌ها است که بهشت و زندگی آرام آدمیان دچار خدشه و آسیب می‌شود. من این ایده را در چند تابلو به تصویر درآورده‌ام. در چیدمان‌ها هم به جای دسته‌ها روی تیغه‌های تیز و برنده چاقو واره گل و مرغ نقاشی کردم. در همه این فعالیت‌ها در این چهار دهه بر روی موضوعات ایرانی تمرکز کرده‌ام و برایم سوژه‌های ایرانی اولویت داشته‌اند. در واقع آنچه در ایران دیده‌ام همواره بهانه و دستمایه‌های جدید برای خلق اثر هنری‌ام بوده است. اما مثل همیشه از نگاه و در پیچه جهان‌بینی خودم به این موضوعات پرداخته‌ام و حرف خودم را در این قالب بیان کرده‌ام.

تفاوت که موضوع آن متفاوت است؛ چون مجسمه یک قالب دراماتیک دارد ولی در دیوارها خصوصاً در دوره رضا عباسی آثار مینیاتور بر روی دیوار بزرگ‌نمایی شده‌اند. در مجموعه «دیوارها» زندگی و نابودی را در کنار هم گذاشتم و این را با پاک کردن نشان دادم. مثلاً یک صحنه عاشقانه را به تصویر می‌کشیدم و با پاک کردن آنچه کشیده بودم، تنها یک جفت چشم و یک گیاه باقی می‌ماندند و همه به من می‌گفتند: تو با قلم مویت انگار که شعر گفته‌ای! شاید هم اگر بر زبان فارسی مسلط بودم ادیب می‌شدم. در دیوارها فلسفه جمع اضداد به کار برده شده و مرگ و زندگی در کنار هم قرار گرفته‌اند. من در طول سالیانتمادی این آثار را می‌دیدم و مرت می‌شدن آن‌ها را نیز دیده بودم که هر بار یک لایه بر روی این آثار اضافه می‌شد و یک نقاشی جدید بر روی این لایه‌ها شکل می‌گرفت و می‌شد دید که سه یا چهار لایه بر روی هم آمده‌اند و روی هر لایه یک اثر نقش بسته است. این فلسفه زندگی است که یکی دیگری را پاک می‌کند و دیگری او را. البته جای تأسف است که از این آثار به خوبی نگهداری نشده است. در مجموع می‌توانم بگویم این نوع نگاه، به خلق مجموعه دیوارها کمک کرد. در مجموع هفت دوره در نقاشی‌هایم دارم و دوره گل و مرغ ششمین دوره آن‌ها است. هفتمین دوره نقاشی‌هایم هم «سفر نامه» است که در حقیقت داستان زندگی خودم را روایت می‌کند.

چه جنبه‌هایی از نقاشی ایرانی یا همان مینیاتور را در مجموعه آثار تان دنبال کرده‌اید؟

برای نمونه بر داشت من از «گل و مرغ»



من به عنوان یک نظاره‌گر از بیرون جلوه‌هایی از تاریخ و برای نمونه عظمت تخت جمشید را مشاهده کردم. تخت جمشید شاید برای یک ایرانی یا فرد دیگری که در نزدیکی آن زندگی می‌کند منظره‌ای خیلی عادی باشد، اما برای من خیلی شکوه و جلوه داشت

ارتباط بگویم؛ اینکه تخت جمشید یا چهل ستون متعلق به همه بشریت است. در مجموعه «دیوارها» هم این نگاه و این فلسفه دنبال می‌شود. با این

شمارد نقاشی‌های تان همواره یک نگاه جدی به تاریخ داشته‌اید. فکر می‌کنید این نگاه از کجانشأت می‌گیرد؟ همانطور که گفتم شاید برای این باشد که من به عنوان یک نظاره‌گر از بیرون برای نمونه عظمت تخت جمشید را مشاهده کردم. تخت جمشید شاید برای یک ایرانی یا فردی که در نزدیکی آن زندگی می‌کند خیلی عادی باشد، اما برای من خیلی شکوه و جلوه داشت. باید یک نکته دیگر در این

آشنایی من با ادبیات ایران با آثار بزرگ علوی آغاز شد و بعد با اشعار شاملو آشنا شدم. طبیعی است که اوایل به دلیل عدم تسلط بر زبان فارسی مطالعه متون قدیمی ادبیات ایران برایم خیلی سخت و ثقیل بود. خوب، به هر حال تلاش‌م را کردم و ادبیات ایران را مطالعه کردم. حتی زبان خیام که خیلی برایم سخت بود و آن را نمی‌فهمیدم؛ حالا برایم آشناست. زمانی را به خاطر دارم که با یک گروه شاهنامه‌خوانی می‌کردیم و حدود شش سال خوانش شاهنامه برای ما طول کشید. الان هم مدتی است برای حافظ خوانی می‌روم. عاشق حافظ هستم و خوانش اشعارش را دوست دارم. حافظ همواره در ستایش طبیعت نوشته است در حالی که در دوران سختی هم زندگی می‌کرده که شاعر بودن در آن دوران آسان نبوده است.

تأثیر ادبیات ایران بر نقاشی‌های تان هم قابل توجه بوده است؟

همینطور است. اگر بخوایم کلی نگاه کنیم ادبیات نقش بزرگی را در آثار من بازی می‌کند. اینطور می‌توانم بگویم که قبل از اینکه نقاش شوم ادبیات دغدغه زندگی من بوده است. زمانی که در مجارستان بودم دلم می‌خواست ادبیات بخوانم اما زمانی که به وین رفتم

آشنایی من با ادبیات ایران با آثار بزرگ علوی آغاز شد و بعد با اشعار شاملو آشنا شدم. طبیعی است که اوایل به دلیل عدم تسلط بر زبان فارسی مطالعه متون قدیمی ادبیات ایران برایم خیلی سخت و ثقیل بود. خوب، به هر حال تلاش‌م را کردم و ادبیات ایران را مطالعه کردم. حتی زبان خیام که خیلی برایم سخت بود و آن را نمی‌فهمیدم؛ حالا برایم آشناست. زمانی را به خاطر دارم که با یک گروه شاهنامه‌خوانی می‌کردیم و حدود شش سال خوانش شاهنامه برای ما طول کشید. الان هم مدتی است برای حافظ خوانی می‌روم. عاشق حافظ هستم و خوانش اشعارش را دوست دارم. حافظ همواره در ستایش طبیعت نوشته است در حالی که در دوران سختی هم زندگی می‌کرده که شاعر بودن در آن دوران آسان نبوده است.

سوی دیگر جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر شرق را از خود بروز می‌دهد که حاصل تجربه ز بسته و در یافت‌های اواز زندگی در ایران است. اما چنین ترکیب و امتزاجی در هنر او چگونه پدیدار شده است؟

گویا ارتباط اولیه شما با فرهنگ ایرانی از طریق ادبیات صورت گرفته است؟

گیز لا وارگا سینیایی متولد ۱۹۴۴ مجارستان در یک کنسرت موسیقی با خسرو سینیایی فیلمساز شناخته شده ایرانی آشنا شد، با او ازدواج کرد و در سال ۱۹۶۷ همراه او به ایران آمد. این هنرمند که تحصیلات آکادمیک خود را در دانشکده هنرهای تزبینی وین به پایان رسانده حالا ۴ دهه است که در ایران مشغول فعالیت هنری است. شرکت در نمایشگاه‌های متعدد انفرادی و گروهی در ایران، پاکستان، ترکیه، اروپا، آمریکا، کانادا، گرجستان، چین و دبی از دیگر فعالیت‌های این هنرمند است. گیز لاوارگا سینیایی از یک سو با هنر اروپای قرن بیستم پیوند دارد و از سوی دیگر جلوه‌هایی از فرهنگ و هنر شرق را از خود بروز می‌دهد که حاصل تجربه ز بسته و در یافت‌های اواز زندگی در ایران است. اما چنین ترکیب و امتزاجی در هنر او چگونه پدیدار شده است؟

گویا ارتباط اولیه شما با فرهنگ ایرانی از طریق ادبیات صورت گرفته است؟

یادداشت

آکادمی‌ها چه نسبتی با هنر امروز دارند؟

ضعف پژوهش در حوزه هنرهای جدید

علیرضا کمالوند

در زمینه هنرهای نوظهور، پژوهش‌های بسیار محدود بوده و از حیث منابع و فعالیت‌های دانشگاهی در این مورد ضعیف عمل شده است. بدیهی است که هنرهای نوظهور وارداتی و به شدت وابسته به تکنولوژی هستند. از آنجا که تکنولوژی به سرعت تغییر می‌کند طبیعتاً شکل‌های مختلف هنر‌ها نیز به سرعت در حال دگرگونی است. به‌منظور همراهی و تعامل با این جریان ضروری است که ابتدا یک جایگاه مستقل برای خود تعریف کنیم. این استراتژی به‌طور قطع نیازمند پژوهش است چرا که در غیر این صورت آثار تولید شده در این بستر صرفاً و لزوماً به‌صفت تقلیدی متصف خواهند بود. برای شناخت این پدیده‌ها از دو گزینه می‌توان بهره جست: سیستم آموزشی و منابع در دسترس. سیستم آموزشی کنونی هیچ گونه حمایتی از هنرهای نوظهور به عمل نمی‌آورد. بر اساس اطلاعات، آخرین بازی بینی سیلابس‌های درسی در زمینه هنرهای تجسمی در سال ۱۳۶۷ انجام شده است. البته در یکی دوسال اخیر نیز بازی بینی دیگری صورت پذیرفته است که نه تنها منجر به بهبود اوضاع نشده بلکه شرایط را ناایسان‌تر